

واکاوی شرط استطاعت طریقی با رویکرد تعطیلی حج در صورت عدم تأمین امنیت حجاج از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی

مهدی درگاهی*

صدیقه مهدویان پور**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰]

چکیده

وجود امنیت راه سرزمین وحی و انجام مناسک حج یکی از مسائل مهم فقه اسلامی است. نظر به وجوب حج و اهمیت خالی نماندن کعبه معظمه از حجاج، حکم وجود یا تأمین استطاعت طریقی به عنوان شرط وجوب حج برای مکلفان، از منظر فقه مذاهب اسلامی چندان روشن نیست؛ از این رو پرسش از ماهیت شرط استطاعت طریقی با رویکرد تعطیلی حج در صورت عدم تأمین امنیت حجاج از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی، مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است. تأمین نبودن امنیت حجاج در سرزمین وحی و مسیر منتهی به آن برای امثال مناسک حج، موجب نبود استطاعت طریقی مکلفان و در نتیجه واجب نشدن حج برای او خواهد بود. چنانچه این امر به تعطیلی حج برای عموم مسلمانان منجر شود، بر حاکم اسلامی است که مقدمات انجام مناسک حج را فراهم آورد. این تحقیق با هدف شناخت حدود و ثغور ادله استطاعت طریقی و اثر آن بر تعطیلی حج و در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی با داده‌های کتابخانه‌ای و به شیوه تطبیقی انجام شده است که نتیجه آن، واجب نبودن حج در صورت تأمین نبودن امنیت در سرزمین وحی و مسیر منتهی به آن است.

کلیدواژه‌ها: استطاعت طریقی، امنیت حجاج، تعطیلی حج، فقه مذاهب اسلامی، استطاعت.

* استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، دانش آموخته سطح چهار حوزوی، پژوهشگر پژوهشگاه المصطفی.

aghigh_573@yahoo.com

** دانشجوی دکتری رشته مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول).

m.mahdavi133@gmail.com

مقدمه

فریضه حج یکی از مسائل عبادی - سیاسی آیین مقدس اسلام است که در میان فرایض و دستورهای دین، سفارش و توصیه‌های بسیار فراوانی از سوی اولیای دین در این زمینه وارد شده است. اهمیت حج تا آنجا است که امام صادق(ع) می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحِجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ - لَمْ يَمْنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحَفُ بِهِ - أَوْ مَرَضٌ لَّا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ - أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلْيَمْتَّ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا: هرکس از دنیا برود، در حالی که فریضه حجة الاسلام را به جا نیاورده باشد، بدون اینکه حاجتی مانع او شده باشد یا به جهت بیماری از آن بازمانده باشد یا پادشاهی از رفتن او جلوگیری کند، چنین فردی به کیش یهودیت یا نصرانیت خواهد مرد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۳۰).

به رغم اهمیت و وجوب حج، ممکن است به دلیل بسته‌بودن مسیر یا جلوگیری حکومت حاکم بر سرزمین وحی یا وجود خطرها و ناامنی‌ها در مسیر، حج ترک شود. این ترک گاهی به نبود استطاعت طریقی مستند می‌شود که جنبه فردی دارد و گاهی ترک حج جنبه عمومی پیدا می‌کند و آن وقتی است که میان همه مسلمانان شایع شود. در این صورت تعطیلی عمومی حج رخ می‌دهد.

در ادامه پس از تبیین مفهوم استطاعت طریقی و مفهوم امنیت، به پیشینه تاریخی تعطیلی حج در صورت نبود امنیت اشاره می‌شود. ماهیت وجوب حج و نقش استطاعت طریقی در آن با واکاوی آرای فقها و علمای مذاهب اسلامی تبیین شده و حکم حج در صورت نبود امنیت، ارزیابی شده است. نقش حکومت و حاکم اسلامی در برطرف کردن ناامنی و فرستادن مسلمانان به حج یکی از مسائلی است که در انتهای مقاله ارزیابی خواهد شد.

پیشینه تاریخی تعطیلی حج در صورت نبود امنیت

در دوران پیشین، مسلمانان مناطق گوناگون برای رسیدن به مکه در قالب کاروان‌های یکپارچه و متحد به سوی مکه رهسپار می‌شدند؛ منتها گاهی ناامنی و نبود امنیت در راه و مسیر حج یا در حرم و مسجدالحرام، از جمله عواملی بود که موجب می‌شد

کاروان حج از رسیدن به حرم مکه یا مناسک حج باز بماند و حج آن کاروان تعطیل می‌شد.

الف) ناامنی راه حج و باج‌گیری

وجود غارتگران و حمله قبایل به کاروان‌های راه حج و در نتیجه ناامنی راه حج، برآمده از ضعف حکومت‌ها، در برخی موارد تعطیلی حج را در پی داشت؛ برای نمونه در سال‌های پایانی سده چهارم هجری قمری با ضعف آلبویه، قبایل راهزن عرب در راه حج فراوان شدند و این امر باعث شد در برخی سال‌ها کاروان حج عراق تعطیل شود (ابن‌فهد، ۱۴۰۸: ۲/ ۴۲۸-۴۳۳). در سال ۳۹۳ق به جهت نگرانی از شخصی به نام اصیفر اعرابی (ابن‌جوزی، ۱۳۶۹: ۲۶۷) و در ۳۹۷ق به سبب تعرض ابن‌جراح طائی به کاروان عراق، کسی نتوانست به حج برود و حج عراق تعطیل شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۷۶/۹؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۸: ۳۳۷/۱؛ ابن‌فهد، ۱۴۰۸: ۲/ ۴۳۳-۴۳۲). در سال ۴۰۹ق نیز حاجیان از بغداد برای حج رهسپار شدند؛ ولی با هجوم بعضی قبایل عرب ناچار به بازگشت شدند (ابن‌تغری بردی، ۱۳۹۲: ۴/ ۲۴۲؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۲۵۲). این ناامنی راه حج تا اندازه‌ای فراوان بود که طغرل سلجوقی توجیه ورود خود به بغداد در سال ۴۴۷ق را تأمین امنیت راه حج عراق که سی سال تعطیل شده بود، دانست (ابن‌عمرانی، ۱۴۱۹: ۱۸۹؛ رک: ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۸/ ۱۶۴؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹/ ۶۰۹؛ الفاسی، ۱۴۲۱: ۲/ ۳۵۸-۳۶۱؛ ابن‌فهد، ۱۴۰۸: ۲/ ۴۵۵-۴۶۶؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۸/ ۱۶۴؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۱/ ۵۳۹).

در دوران حکومت ابوالفتح (حک: ۴۰۳-۴۳۰ق) بر مکه، به دلیل درگیری‌ها و شورش و راهزنی برخی از قبایل بادیه‌نشین، در بسیاری از سال‌ها خواستاران حج از این توفیق محروم شدند (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸: ۱۲/ ۴۵؛ الفاسی، ۱۴۲۱: ۲/ ۲۵۵).

علاوه بر باج‌گیری قبایل در مسیر حج، برخی از اوقات حاکمان حرم نیز از حاجیان وجوهی دریافت می‌کردند که گاه به جهت نپرداختن این مبلغ، از ورود کاروان به حرم جلوگیری می‌شد؛ از جمله در سال ۹۱۴ق شریف برکات حاجیان یمن را که از راه خشکی رهسپار مکه بودند، در نزدیکی مکه بازگرداند، بدین دلیل که در سال پیش بسیاری از ایشان بدون آگاهی عاملان شریف بی‌آنکه وجهی پرداخت کنند، وارد مکه شده بودند (طیب، ۱۴۱۹: ۸۹).

نامنی راه، منحصر به حج عراق نبود و حج مصر نیز به همین سبب تعطیل می‌شد؛ از جمله در سال ۴۷۸ق به سبب حمله شماری از بادیه‌نشینان به کاروان مصری، عده بسیاری کشته شدند و باقی‌مانده افراد به مصر بازگشتند (ابن‌فهد، ۱۴۰۸: ۴۸۳/۲) و در سال‌های ۶۴۳-۶۵۰ق به دلیل ضعف خلفای عباسی و نامنی راه‌ها، از مناطق اسلامی عراق تا مصر، حج رسمی انجام نگرفت (ذهبی، ۱۴۱۰: ۶۳/۴۷).

گاه حج‌گزاری از راه دریا نیز به علت ازدحام و مشکلات سفر که کشتی‌بانان پدید می‌آوردند، تحریم می‌شد. به گزارش فیفائی، پس از شرح مشکلات سفر با کشتی برای یکی از اقطاب مالکی مصر به نام ابو عبدالله عایش، وی سفر دریایی به حج را تحریم کرد (ر.ک: بزاز و آذیر، ۱۳۸۲: ۷۷).

با وقوع جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م / ۱۳۳۶-۱۳۳۳ق) و درگیری خاورمیانه به‌ویژه عراق در این جنگ‌ها، حج‌گزاران ایرانی و دیگر کشورهای منطقه، پنج سال به جز سال ۱۳۳۴ق از انجام حج محروم شدند (هدایتی، ۱۳۴۳: ۴۹).

ب) نامنی حرم و مسجدالحرام

نامنی حرم یا ناشی از درگیری‌های نظامی است، بدون آنکه مصداقی برای سد حرم یا مسجدالحرام باشد یا ناشی از سوء رفتار برخی حاکمان مکه رخ می‌دهد. در ادامه با تفکیک هر مورد، به برخی گزارش‌ها تاریخی در خصوص نامنی در حرم و مسجدالحرام و به تبع آن تعطیلی حج اشاره می‌شود.

اول: نامنی حرم و مسجدالحرام بر اثر درگیری‌های نظامی

درگیری‌های نظامی در حرم و مکه و برخی جدال‌های سیاسی برای کسب قدرت توسط امیران و حاکمان، بدون آنکه مصداقی برای سد مسجدالحرام به شمار آیند، موجب نامنی و تعطیلی حج می‌گشت. چه‌بسا شورش اسماعیل بن یوسف علوی در مکه در سال ۲۵۱ق و نامنی حرم و در نتیجه تعطیلی حج در آن ساله اولین گزارش تاریخی در این باره باشد (طبری، ۱۳۸۷: ۹/۳۴۶-۳۴۷؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۴/۳۱۱).

حمله قرامطه به مکه و کشتار مسلمانان به دست ابوطاهر قرامطی در مکه و به یغما

کردن حجرالاسود که بازتاب فراوانی در منابع تاریخی داشته است (الذهبی، ۱۴۱۰: ۲۳/

واکاوای شرط استطاعت طریقی با رویکرد تعطیلی حج در صورت عدم تأمین امنیت حجاج / ۱۱

۳۷۴؛ و ابن تغری بردی، ۱۳۹۲: ۳/ ۲۲۷)، از دیگر مصادیق ناامنی حرم و تعطیلی حج در سال ۳۱۷ق است.

درگیری میان امیرالحاج و امیر مکه در موسم حج در سال ۵۵۷ق به گونه‌ای که بیشتر حج‌گزاران نتوانستند وارد مکه شوند و حج خود را تمام کنند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۱/ ۲۸۸-۲۸۷)، آشوب و درگیری در منا میان مصریان و حجازیان در سال ۷۰۵ق (الفاسی، ۱۴۲۱: ۲/ ۴۱۱)، درگیری در سال ۷۴۳ق در عرفه میان امیرالحاج و اشراف (الفاسی، ۱۴۲۱: ۲/ ۴۱۷-۴۱۸) و فتنه و درگیری در سال ۸۱۷ق میان امیرالحاج مصر و یکی از فرماندهانش در منا (الفاسی، ۱۴۲۱: ۲/ ۴۳۱-۴۳۳) از دیگر مصادیق ناامنی حرم و مسجدالحرام و به تبع آن، تعطیلی حج است.

دوم: ناامنی حرم و مسجدالحرام بر اثر سوء رفتار با حجاج

مخالفت دولت عثمانی و دانشمندان متعصب سنی با حاجیان ایرانی و دانشوران شیعه مقیم حرمین از دوره صفویه به بعد، به بدرفتاری با ایرانیان شیعه و قتل دانشورانی مانند استرآبادی (۹۴۵ق)، معصوم‌بیک صفوی (۹۷۶ق) و میرزا زین‌العابدین کاشانی (۱۰۴۰ق) منجر گشت.

این‌گونه رفتارها تداوم یافت تا آنکه در سال ۱۰۸۸ق به بهانه آنکه شیعیان پرده کعبه را نجس کرده‌اند، در این شهر، شیعه‌کشی به راه افتاد و دانشمندی با نام سیدمحمد مؤمن رضوی را در پشت مقام ابراهیم به شهادت رساندند. در سال ۱۱۰۱ق یا ۱۱۰۵ق دانشوری دیگر با نام شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی را در حالی که پرده کعبه را گرفته بود، سخت کتک زدند که بیمار شد و در راه مدینه درگذشت. مشکلات حج ایرانیان در این دوره، در نامه‌نگاری‌های دولت عثمانی و صفوی بازتاب یافته است (محقق، ۱۳۷۹/ ۲۹). این اختلاف‌ها در دوره افشاریه سخت‌تر شد و در سال ۱۱۵۷ق که نادر شاه با دولت عثمانی درگیر بود، در حرمین اعلام شد که همه خطیبان به طور رسمی در منا بر شیعیان را لعن کنند (سباعی، ۱۴۰۴/ ۴۲۸). این مشکلات در دوره قاجاریه نیز ادامه یافت و در سال‌های آغازین این حکومت، باعث تعطیلی حج ایرانیان شد. تأمین امنیت حاجیان، رفتار مناسب و نگرفتن مالیات راه از حاجیان ایرانی، از

مفاد مذاکرات و تعهدات دولت قاجار با دولت عثمانی بود (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۵۶۱ و ۱۶۸۲).

رفتار نامناسب آل سعود با حاجیان، در چند نوبت موجب تعطیلی حج ایران گشت. در سال ۱۳۴۲ق/۱۳۲۲ش پس از آنکه ابوطالب یزدی در مکه به اتهام آلوده‌ساختن خانه خدا اعدام شد (۱) موجی از خشم و ناراحتی و اعتراض در میان شیعیان جهان پدید آمد. آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی که آن هنگام در کربلا مقیم بود، واکنشی تند نشان داد و در نامه‌ای به شاه ایران، سکوت او را ناروا دانست و خواهان واکنشی مناسب شد. در ایران عزای عمومی اعلام و در بیشتر شهرها مجالس ختم برگزار شد (قاضی عسکر، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۹). اعتراض‌های مردم و رسانه‌های ایران بالا گرفت و برخی در صدد برآمدند با اعزام هیئتی نزد مرجعیت شیعه آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی تقاضا کنند تا مادامی که دولت سعودی شیوه خود را تغییر نداده و این اقدام را جبران نکرده، حج را برای ایرانیان و شیعیان تحریم کند (قاضی عسگر، ۱۳۷۹: ۱۱۲). وزارت امور خارجه ایران نیز اعلام کرد در صورت جبران‌نشدن این رفتار دولت سعودی و تأمین‌نشدن امنیت ایرانیان، از حج‌گزاری ایرانیان جلوگیری خواهد کرد (قاضی عسکر، ۱۳۸۸: ۲۷ و ۳۱ - ۳۰). دولت ایران روابط خود با عربستان را قطع کرد (محقق، ۱۳۷۹: ۱۲۴-۱۰۷) و سه سال حج ایرانیان تعطیل شد (همان: ۳۹ و ۱۳۱-۱۳۰؛ قاضی عسکر، ۱۳۸۸: ۵۷ و ۱۱۷-۱۱۶).

همچنین پس از کشتار حج‌گزاران در مراسم برائت از مشرکان در سال ۱۴۰۷ق/۱۳۶۶ش در شهر مکه به دست رژیم سعودی، روابط میان ایران و عربستان قطع شد و تا سه سال حج‌گزاری ایرانیان تعطیل گشت و پس از آن، با پذیرش برگزاری مراسم برائت از مشرکان از سوی عربستان، حج‌گزاری ایرانیان مجدداً آغاز شد (ر.ک: درگاهی و عنلیبی، ۱۳۹۴: ۵۳-۶۴).

ماهیت وجوب حج و نقش استطاعت طریقی در آن

خداوند تبارک و تعالی حج را بر بندگان خود به سبب مصالحی که برای آنان دارد، واجب کرد، آنجا که می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا: و

واکاوی شرط استطاعت طریقی با رویکرد تعطیلی حج در صورت عدم تأمین امنیت حجاج / ۱۳

برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند» (آل عمران: ۹۷).

به باور مشهور فقهای امامیه (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۴ / ۸۰ و ۱۴۰: نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷ / ۲۵۱؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۴-۲۵) و بسیاری از فقیهان اهل سنت (کسانی، ۱۴۰۹: ۲ / ۱۲۳؛ ابن‌عبدالبر مالکی، ۱۴۰۷: ۱۳۳؛ و ابن‌قدامة حنبلی، ۱۴۰۴ ب: ۳ / ۱۶۹-۱۷۳؛ نووی شافعی، ۱۹۹۶: ۷ / ۶۳-۷۱) استطاعت طریقی با حدود و شرایط خاص، شرط وجوب حجة الاسلام بر مکلفان است. کسی که این شرط را به همراه استطاعت مالی و بدنی داشته باشد، در اصطلاح «مستطیع» نامیده می‌شود. از پشتوانه‌های این حکم، آیه بالا است که مسلمانان را در صورت استطاعت، به حج گزاردن مکلف کرده است. احادیث مقصود از استطاعت در این آیه را استطاعت شرعی بیان کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۶۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۳۵) و یکی از موارد استطاعت، استطاعت طریقی است.

البته برخی از حنبلیان، استطاعت طریقی را شرط ادای واجب و نه شرط وجوب حج دانسته‌اند. بنابر این نظریه، حج واجب شده است؛ منتها شرط ادای حج، استطاعت طریقی است؛ یعنی کسی که استطاعت طریقی ندارد، باید حج واجب‌شده را در سال‌های بعد که استطاعت طریقی دارد، قضا کند. مرداوی آن را یکی از آرای احمد بن حنبل (همو، ۱۴۰۶: ۳ / ۴۰۸) می‌داند.

حکم حج در صورت نبود امنیت در مسیر مکه یا در حرم و مسجدالحرام برای

انجام مناسک حج

در این بحث ابتدا دیدگاه فقهای مذاهب مطرح می‌شود و سپس ادله ایشان بررسی و جمع‌بندی می‌شود.

آرای فقها و علمای مذاهب اسلامی

امنیت در مسیر سرزمین وحی و حرم و مسجدالحرام برای انجام مناسک حج، یکی از مصادیق استطاعت طریقی است. در مذهب جعفری، فتوای فقها بر این امر استوار است که اگر در راه و مسیر ادای مناسک حج، امنیت نباشد، وجوب حج ساقط است (حلی،

۱۴۱۲: ۹۹/۱۰؛ حلی، ۱۴۲۰: ۱/۵۵۳؛ خویی، ۱۴۱۶ق: ۱/۲۱۴؛ همو، ۱۴۱۸: ۲۶/۱۷۰). در این راستا به فتوای برخی اشاره می‌شود. میرزای قمی (م ۱۲۳۱ق) که در سال ۱۲۱۲ق به حج رفته بود، سال‌ها بعد با دریافت گزارش رفتار وهابیان در مسیر حج با شیعیان، در پاسخ به استفتای یکی از دانشوران معاصر خود، امنیت را از شروط حج دانست و هرچند وجود امنیت را از موضوعات وابسته به تشخیص مکلف دانست، تصریح کرد در آن وضعیت، نه خود به حج می‌رود و نه به دیگری اجازه سفر می‌دهد. ایشان می‌نویسد: «... به هر حال اگر خودم بالفرض، حج در ذمه‌ام مستقر باشد، در این سال نمی‌روم و کسی را هم اذن نمی‌دهم که برود. شما خود بهتر می‌دانید» (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۳۲۶-۳۳۱/۱).

همچنین شیخ فضل‌الله نوری در سال ۱۳۱۹ق سفر از راه‌های کوهستانی و پرخطر را تحریم کرد. وی که خود از این مسیر به حج رفته بود، در پی بازگشت، نه تنها سفر حج از این راه را حرام دانست، بلکه مراجع تقلید شیعه را نیز قانع کرد که سفر از این راه را تحریم کنند. این فتواها در کتاب *فتاوی‌العلماء فی حرمة السفر الی الحج من طریق الجبل گرد آمده است* (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا: ۱۶/۱۰۲؛ جعفریان، ۱۳۸۷-۱۳۸۸: ۹/۳۸ و ۴۲).

در مذهب حنفی، «استطاعت امنیه»، شرط وجوب حج است (کاسانی، ۱۴۰۹ق: ۲/۱۲۴؛ طحاوی، ۱۳۱۸: ۱/۴۷۸؛ سمرقندی، ۱۴۱۴ق: ۱/۳۸۷. رشدانی مرغینانی، بی‌تا: ۱/۱۳۵؛ داماد افندی، بی‌تا: ۱/۲۶۲). در دیدگاه این مذهب، مراد از استطاعت امنیه این است که راه و مسیر مناسب حج، غالباً اگرچه با دادن رشوه، دارای امنیت است. پس وجوب حج بدون امنیت داشتن در راه و مسیر مناسب حج، محقق نمی‌شود (سیواسی، بی‌تا: ۲/۴۱۸، حصنی، ۱۴۲۳: ۱/۱۵۶). کاسانی در *بدائع الصنائع امنیت مسیر* را لازم می‌داند و در پاسخ کسانی که می‌گویند پیامبر (ص) استطاعت را به زاد و راحله تفسیر کرده است، می‌گوید: بدون امنیت، استطاعت معنا ندارد و بیان زاد و راحله، استطاعت طریقی به معنای امکان رسیدن به بیت‌الله الحرام را در برمی‌گیرد؛ زیرا کسی که از رسیدن به خانه خدا مانعی دارد، در واقع مانند کسی است که زاد و راحله ندارد. همچنین وی معتقد است پیامبر (ص) صحت جوارح و اعضا و زوال موانع حسی را هم ذکر نکرده است؛ در حالی که این موارد نیز شرط وجوب حج به شمار می‌آیند (کاسانی، ۱۴۰۹ق: ۲/۱۲۳).

در منظر مذهب مالکی، راهی که برای سفر حج انتخاب می‌شود، چه در خشکی و چه در دریا، باید از امنیت و سلامت غالبی برخوردار باشد؛ بنابراین اگر مسیر غالباً همراه با سلامتی نباشد، حج بر او واجب نیست (خطاب، ۱۴۱۶ق: ۲/ ۴۹۲-۴۹۳؛ دسوقی، بی‌تا: ۲/ ۸۶-۸۷؛ علیش، ۱۴۰۹: ۲/ ۱۹۲؛ خرشبی، بی‌تا: ۲/ ۲۸۴).

از دیدگاه شافعیان، اگر راه به گونه‌ای است که انسان به تنهایی احساس امنیت نکند، در این صورت وجود کاروان برای تحقق امنیت شرط است؛ همچنین اگر دو راه باشد که یکی نزدیک است ولی دارای امنیت نیست و دیگری دور باشد، اما دارای امنیت لازم است، در این صورت واجب است که از راه دورتر اقدام کند، به شرطی که توانایی سفر راه دور را داشته باشد که در غیر این صورت وجوب حج ساقط می‌شود. همچنین اگر سفر به مکه منحصر به راه دریایی باشد و غالباً با مشکل و بدون امنیت باشد، نه تنها وجوب حج ساقط می‌شود، بلکه سفر در این شرایط حرام است؛ چون مصداق آیه «الأتلقوا بایديکم الی التهلکة (بقره: ۱۹۵) است (دمیاطی، ۲۰۰۲: ۲/ ۲۸۳؛ هیمی، ۱۴۲۰: ۲/ ۱۲۶؛ نووی، ۱۹۹۶: ۷/ ۸۰؛ رافعی قزوینی، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۸۸؛ شربینی، ۱۴۱۵: ۱/ ۴۶۵).

همچنین اگر خطری از ناحیه درندگان یا دشمن یا کسانی که در راه‌اند، متوجه شخص یا همسرش یا مالش است و راه دیگری هم برای رفتن به حج نیست، به سبب وارد آمدن ضرر، حج بر او واجب نیست و اگر راه با همراهی یک محافظ غالباً امنیت داشته باشد، در این صورت اجیرکردن محافظ بنابر نظر اصح، واجب است؛ البته اگر قادر به پرداخت هزینه و اجرت‌المثل آن باشد (نووی، ۱۹۹۶: ۷/ ۸۰؛ ابن‌قدامة الف، ۱۴۰۴: ۳/ ۱۹۵).

در نظر حنبلیان، مکلف باید راهی را که برای حج انتخاب می‌کند، چه خشکی و چه دریایی، دارای امنیت و سلامت باشد و تهدیدی در راه از جانب دشمن، دزد و مانند آن متوجه او نشود؛ در غیر این صورت وجوب حج ساقط می‌شود (مرداوی، ۱۴۰۶: ۳/ ۲۸۸؛ بهوتی، ۱۴۱۸: ۲/ ۴۵۴). پس راهی که به عنوان مسیر حج انتخاب می‌شود، باید امنیت داشته باشد، اگرچه راهی که انتخاب می‌کند، راه اصلی و متعارف نباشد؛ اما اگر غالباً رفتن به حج از این راه امنیت ندارد، یعنی گروهی به سلامت از آن گذر می‌کنند و مناسک را به جای می‌آورند و گروهی دچار هلاکت می‌شوند، بنابر نظر اصح در نظر حنبلیان، رفتن به حج از مسیر گفته‌شده واجب نیست (مرداوی، ۱۴۰۶: ۳/ ۲۸۸).

ادله و مستندات

ادله و مستندات نظریه اول (واجب نبودن حج در صورت نبود امنیت)

بیان شد که نظریه غالب فقهای مذاهب اسلامی آن است که در صورت نبود استطاعت طریقی، حج واجب نیست. بر این نظریه چندین دلیل اقامه شده است:

الف) نخستین استدلال تمسک به اطلاق قرآن کریم است. خداوند متعال در آیه شریفه «ولله علی الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً» (آل عمران: ۹۷) به استطاعت اشاره کرده و آن را شرط وجوب حج دانسته است. از آنجا که استطاعت مطلق بیان شده، شامل استطاعت طریقی هم می‌شود؛ یعنی کسی که راه و مسیر برای ادای مناسک حج برای او امنیت ندارد، در واقع استطاعت ندارد و در صورت نبود استطاعت، حج واجب نخواهد بود (الحطاب، ۱۴۱۶: ۳/ ۱۴۷؛ عمرانی، بی تا: ۴/ ۳۷؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۸: ۵/ ۳۵ و ۲۰).

روح المعانی ذیل این آیه شریفه وجود امنیت را شرط وجوب حج می‌داند و می‌نویسد: «أنه لو فقد أمن الطريق مثلاً لم يجب الحج عليه» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/ ۲۳۰). تفسیر تبیان نیز بیان می‌کند حج بر مستطیع واجب شده و فردی که استطاعت ندارد، حج بر او واجب نیست. شیخ طوسی ذیل این آیه می‌نویسد: «آیه دلالت بر فساد مذهب مجبره دارد؛ زیرا که استطاعت به همراه فعل است و خداوند متعال حج را بر مستطیع واجب نموده است و کسی که استطاعت ندارد، حج بر وی واجب نیست» (طوسی، بی تا: ۲/ ۵۳۸). ایشان معتقد است امنیت راه از شرایط استطاعت و یکی از معنای سبیل است (همان: ۵۳۷). طبری در جامع البیان برای طریق نبود مانع و دزد و ضعف جسمی را ذکر می‌کند و می‌نویسد: اگر فرد واجد طریق بود، به این صورت که مانعی از لحاظ زمان، عجز و ناتوانی، دشمن، نبود زاد و توشه و ضعف در راه رفتن وجود نداشت، حج صورت وجوب می‌یابد (طبری، ۱۴۱۲: ۴/ ۱۳).

علاوه بر آنکه، به تصریح محققان، مراد از استطاعت مذکور در آیه شریفه، صرفاً توانایی عام که عقل آن را تأیید کند، نیست، بلکه مفهومی تنگ‌تر از قدرت عقلی یا همان استطاعت شرعی مراد است (خوئی، ۱۴۱۶: ۱/ ۷۸-۷۷).

ب) برخی علمای مذاهب اسلامی چنین استدلال کرده‌اند که طی راه برای ادای مناسک حج، اگر امنیت نداشته باشد، از مصادیق القای نفس در هلاکت است و مطابق

آیه شریفه «ولاتلقوا بایدیکم الی التهلکه» (بقره: ۱۹۵)، القای نفس در هلاکت جایز نیست (شیخی زاده، بی تا: ۱/ ۲۶۲)؛ پس در تزامم بین وجوب حج و حرمت هلاکت نفس، از باب اهمیت حفظ جان مسلمان، حج واجب نخواهد بود.

ج) سومین دلیل، اطلاق روایاتی است که در زمینه استطاعت گزارش شده و به تخلیه سرب اشاره دارد؛ تخلیه سرب شامل بسته بودن راه و ناامنی در مسیر ادای مناسک حج است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/ ۱۷، ۲، ۳). بنابر اطلاق روایات، کسی که استطاعت طریقی ندارد، وجوب حج ندارد؛ افزون بر اینکه مندرج در عنوان عذر است که بر پایه روایات دیگر، از جعفر بن محمد گزارش شده است: «حج بر همه مردم، بزرگ و کوچک واجب است، مگر آنکه عذری داشته باشد؛ [در این صورت] خداوند او را معذور می داند و حج بر او واجب نیست» (همان).

بر پایه گزارش اخیر، ترس عقلایی از پیمودن مسیر برای ادای مناسک حج، باعث می شود که وجوب واقعی حج از شخص برداشته شود؛ چه اینکه برداشته شدن وجوب ظاهری حج که در صورت کشف خلاف حج بر او مستقر باشد، به حکم عقل فهمیده می شود و نیازی به تصریح حضرت در امثال روایت گفته شده نیست.

د) چهارمین دلیل، دلیل عقل است. از نظر عقل، تکلیف در صورتی به مکلف تعلق می گیرد که امکان انجام دادن آن فعل را داشته باشد؛ بنابراین اگر مسیر ادای مناسک حج از امنیت برخوردار نباشد، تعلق تکلیف، قبیح و ممتنع است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۶/ ۶۱)؛ افزون بر اینکه از مصادیق حرج است و عقل و نقل بر نفی حکم حرجی در اسلام تکیه دارند (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۱/ ۶۱؛ خوبی، ۱۴۱۸: ۲۶/ ۱۷۱؛ آملی، ۱۳۸۰: ۱۱/ ۴۵۸).

و) اجماع منقول و محصل، پنجمین دلیل انتقای وجوب حج در صورت نبود امنیت است (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۱/ ۶۰؛ آملی، ۱۳۸۰: ۱۱/ ۴۵۸؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۶/ ۶۱؛ حلی، محقق، ۱۴۰۷: ۲/ ۷۵۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۴/ ۱۴۰؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۸۵).

ه) روش و منش عقلای عالم، اعم از متدینان و غیر آنان، اجتناب و دوری از سفری است که راه و مسیر آن امنیت نداشته باشد. چنین نیست که این عملکرد منوط به ضرر معلوم و قطعی باشد، بلکه عقلا در مواردی که احتمال ضرر نیز می رود، حکم به اجتناب می کنند. پس در مواردی که ترس از ضرر بر جان و مال برای طی مسیر ادای

مناسک حج وجود داشته باشد، و جوب حج واقعاً برداشته می‌شود؛ حتی اگر بعد از آن، خلاف واقع کشف شود (ر.ک: خویی، ۱۴۱۸: ۲۶ / ۱۷۱).

ادله و مستندات نظریه دوم (لازم‌نبودن ادای واجب)

گفتیم برخی استطاعت طریقی یا امنیت مسیر ادای مناسک حج را شرط ادای واجب و نه شرط وجوب حج دانسته‌اند. این نظریه مستند به گزارشی است که حاکی است پیامبر اعظم^۹ استطاعت را فقط به زاد و راحله تفسیر کرد (ترمذی، ۱۴۰۳: ۲ / ۱۵۴؛ بیهقی، بی‌تا: ۴ / ۳۳۰)؛ پس فقط به شخصی که دارای زاد و راحله است، مستطیع گفته می‌شود و اضافه کردن شرط استطاعت طریقی به شروط وجوب حج، جایز نیست (سرخسی، ۱۴۰۹: ۴ / ۱۶۳؛ ابن‌مفلح، ۱۴۲۴: ۵ / ۲۴۰)؛ متنها دقت در سند گزارش، بنابر سخن بزرگان جرح و تعدیل اهل سنت، نشان از ضعف روایت دارد (ابن‌عبدالبر، ۱۳۷۸: ۹ / ۱۲۵؛ ر.ک: زیعلی، ۱۳۵۷: ۲ / ۸؛ البانی، ۱۴۰۵: ۴ / ۱۶۰)؛ افزون بر آنکه استطاعت بدنی (صحت اعضا و جوارح) نیز در این روایت مطرح نشده و حال آنکه به اتفاق علمای مذاهب اسلامی، استطاعت بدنی از شروط وجوب حج است؛ پس ذکر زاد و راحله در روایت مذکور، از باب مثال است (کاسانی، ۱۴۰۹: ۲ / ۱۲۳؛ قرافی، ۱۹۹۴: ۳ / ۱۷۷؛ خطاب، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۴۸؛ ابن‌تیمیه، ۱۴۱۸: ۵ / ۳۹).

دلیل دوم اطلاق روایاتی است که به تخلیه سرب اشاره دارند و شامل چنین موردی نیز می‌شود، مانند: «أَبِي عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا مَا يَعْنِي بِذَلِكَ قَالَ مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلِّي سَرْبِهِ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۶ / ۱۰۹، ح ۱۲؛ ر.ک: همان، ح ۱۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۳۴، ح ۴ و ۳۵، ح ۷)؛ زیرا طی کردن مسیر با دوزدن شهرها، بر تخلیه مسیر صدق نمی‌کند (قمی روحانی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۴۴). قول به وجوب حج در این مسئله مخالف و ناسازگار است با ظاهر روایاتی که متضمن تخلیه سرب است، برای نمونه: «عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَثَمِيِّ قَالَ: سَأَلَ حَفْصُ الْكِنَاسِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا مَا يَعْنِي بِذَلِكَ قَالَ مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلِّي سَرْبِهِ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ أَوْ قَالَ مِمَّنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَقَالَ لَهُ

حَفْصُ الْكِنَاسِي فَإِذَا كَانَ صَاحِبًا فِي بَدَنِهِ مُخَلِّي سَرْبِهِ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَلَمْ يَحُجَّ فَهُوَ مَمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ قَالَ نَعَمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۲۶۷) و «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِي بَنٍ عَنْ عُمَانَ عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ مَاتَ وَكَمْ يَحُجُّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ تَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَّا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلَيْمَتْ - يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» (همان: ۲۶۹؛ ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱، ب ۸، ح ۴ و ۷ و ۱۰).

دلیل دیگر رجوع به لغت است. استطاعت از باب استفعال از ماده «طوع» و در لغت به معنای توانستن و ممکن شدن انجام کاری، معنا شده است (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۳/۱۴۲). در صورت اضافه شدن این واژه به انسان و کاربرد ترکیبی اصطلاح «استطاعت طریقی»، به معنای بازبودن راه و مسیر انجام حج است. در کتاب‌های فقهی از استطاعت طریقی به تخلیه سرب هم یاد می‌شود و به معنای نبود مانع در پیمودن راه و مسیر حج و مناسک آن است (کاظمی، بی تا: ۲/۱۰۵).

امنیت نیز از ماده «امن»، به معنای برطرف شدن بیم و هراس، ایمن شدن و اطمینان خاطر یافتن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸/۳۸۸). در اصطلاح فقهی، همان مفهوم لغوی تأیید شده و با توضیحی بیشتر به نبود ترس از دزد، حیوانات وحشی و دشمنی که به جان یا مال انسان ضرر وارد می‌کند، تعریف شده است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۴/۱۴۰).

همچنین وجود ترس عقلایی دلیل دیگری بر رد این دیدگاه است که با وجود روایاتی که در این زمینه نقل شده است، به عدم وجوب واقعی حج حکم داده می‌شود. مانند روایت صحیحہ عبدالرحمان بن حجاج که می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم آیا حج بر فقیر و پولدار واجب است؟ حضرت فرمودند: حج بر همه مردم، بزرگ و کوچک واجب است؛ اما اگر کسی عذری داشته باشد، خداوند او را معذور دانسته و حج بر او واجب نیست: «وَعَنْ عَلِي بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْحَجُّ عَلَى الْغَنِيِّ وَالْفَقِيرِ - فَقَالَ الْحَجُّ عَلَى النَّاسِ جَمِيعاً كِبَارِهِمْ وَصِغَارِهِمْ - فَمَنْ كَانَ لَهُ عُدْرَةٌ عَدَّرَهُ اللَّهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/۱۷، ب ۲، ح ۳).

دلالت این روایت در مورد کسانی است که عذر دارند و معلوم است که ترس، عذر عقلایی است؛ بنابراین حج واقعاً از چنین فردی برداشته می‌شود. در نتیجه حکم به وجوب حج، حکم ظاهری نیست، بلکه حکم واقعی است؛ بنابراین در صورت کشف خلاف، حج بر او مستقر نشده است.

نقش حکومت و حاکم اسلامی در برطرف کردن ناامنی و فرستادن مسلمانان به حج

آنچه از تتبع در سخنان فقهای مذهب شیعه به دست می‌آید، این است که اگر مسلمانان حج را ترک کنند، بر حاکم و والی جامعه اسلامی واجب است گروهی را اجباراً به حج بفرستد. شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷: ۱/۳۸۵؛ همو، ۱۴۰۰/۲۸۵)، ابن‌ادریس حلی (حلی، ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۱/۶۴۷) و علامه حلی در تحریر (حلی، علامه، ۱۴۲۰: ۲/۱۱۳؛ همو، ۱۴۱۴، ۸/۴۴۴؛ همو، ۱۴۱۲: ۱۳/۲۱۶) در سخنانی مشابه می‌نویسند: «إذا ترک الناس الحج وجب علی الإمام أن یجبرهم علی ذلك: وقتی مردم حج را ترک کنند، بر والی و حاکم اسلامی واجب است که آنها را بر ادای حج اجبار کند».

این فتوا بر پایه گزارش‌هایی از معصومان(ع) است. صاحب *وسائل الشیعه* در ضمن بابی با عنوان «بَابُ عَدَمِ جَوَازِ تَعْطِيلِ الْكُفَّةِ عَنِ الْحَجِّ» ده روایت در این زمینه مطرح کرده است (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/۲۰). در گزارشی معتبر از جعفر بن محمد آمده است: «وَأَنَّ النَّاسَ تَرَكَوا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يَجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ وَ لَوْ تَرَكَوا زِيَارَةَ النَّبِيِّ^۹ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يَجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ: اگر مردم حج را ترک کنند، بر والی [امت اسلامی] است که آنان را به انجام حج و اقامت در کنار کعبه مجبور کند؛ همچنین اگر زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را کنار بگذارند، بر والی است که آنان را به این کار مجبور کند و اگر مردم اموالی برای این کار نداشتند، از بیت‌المال مسلمانان برای این کار هزینه کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۲۷۲، ح؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۴۲۰، ح؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۵/۴۴۱، ح؛ ۱۷۸).

تعطیلی حج به معنای برگزاردنشدن حج به سبب مشکلی در مبدأ و راه حج یا حرم الهی است و موجب می‌شود حج از سوی همه یا شماری از مسلمانان تعطیل شود (ر.ک:

با توجه به احادیث مذکور، بر حاکم اسلامی واجب است که عده‌ای را اجباراً به حج بفرستد تا حج تعطیل نشود، و بنابر مفاد روایت مذکور، اگر مسلمانان توان مالی لازم را برای ادای حج نداشتند، از بیت‌المال وجوهی برای این امر اختصاص می‌یابد. سؤالی که مطرح است آن است که اگر مسلمانان به دلیل ناامنی راه یا حرم یا نزاعات سیاسی و مذهبی یا حتی بسته‌شدن مسجدالحرام و مانند آن نتوانند به حج مشرف شوند، آیا حاکم اسلامی در قبال ایشان چه وظیفه‌ای دارد. در جواب باید گفت از آنجا که در احادیث مذکور، تعبیری همچون «إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ» و «ان یجبرهم علی ذلک» آمده، پس وظیفه حاکم اسلامی تنها شامل کسانی است که استطاعت مالی ندارند یا از روی سرکشی و طغیان به حج مشرف نمی‌شوند؛ بنابراین استناد به ادله بالا برای اثبات وظیفه حاکم در قبال ناامنی راه مخدوش است.

یکی از اهداف وجوب حج آن است که کعبه معظم از حجاج خالی نماند. از طرف دیگر حاکم جامعه اسلامی موظف است شرایطی برای بندگان فراهم کند تا آنان بتوانند اهدافی را که شارع مقدس از آنان طلب کرده به دست آورند؛ بنابراین اگر زائر و حاجی به مقدار تحقق هدف مذکور وجود داشته باشد - چنان‌که امروزه وجود دارد - حاکم اسلامی در تحقق این هدف مسئولیتی ندارد؛ اما اگر چنین نباشد، بر ولی امر مسلمانان واجب است گروهی را به حج بفرستد، هرچند که از بیت‌المال در این مقصود هزینه کند، تا اقتضای ولایت بر مسلمانان که همان فراهم کردن شرایط برای بندگان جهت کسب اهداف شارع است، محقق شود (ر.ک: مؤمن، ۱۴۲۵: ۱/ ۳۲۹)؛ پس با توجه به برخی احادیث گزارش شده از اهل بیت (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/ ۲۷۰، ح ۳) (۲) مشخص می‌شود خالی شدن کعبه از حاجیان و زائران، مبعوض شارع مقدس است و مطلوب واجب او خالی نشدن آن مکان معظم از حجاج است و دیگر فرقی نمی‌کند که به چه دلیل کعبه تعطیل شده است، به دلیل ناامنی راه، ناامنی حرم، نزاعات سیاسی و مذهبی و غیره. از آنجا که ولایت امر بر امت اسلامی جعل شده تا اهداف و مصالح احکام شارع برای مسلمانان تحقق یابد و آنان بتوانند آن را کسب کنند، اگر بیت‌الله الحرام خالی از زائر و حاجی شود، وظیفه حاکم اسلامی آن است که این هدف تأکید یافته را با فرستادن عده‌ای از مسلمانان به آنجا و ادای حج محقق سازد، هرچند از بیت‌المال در این راه سرمایه کند (درگاهی و دیگران، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

با بررسی آرا و نظرهای فقهای مذاهب اسلامی روشن شد که نظریه غالب در فقه اسلامی از نظر شیعه و سنی آن است که حج در صورت نبود استطاعت طریقی برای مکلف، واجب نخواهد بود؛ بنابراین در صورت ناامنی در مسیر ادای مناسک حج، چه این ناامنی در راه به سوی سرزمین وحی باشد و چه در حرم یا در خود مسجدالحرام باشد، وجوب حج ساقط می‌شود. این نظریه که بر پایه ادله پنج‌گانه قرآن، سنت، عقل، اجماع و سیره عقلا استوار است، روشن می‌کند نظریه وجوب حج در صورت نبود استطاعت طریقی که رأی و نظر احمد بن حنبل گزارش شده، مخدوش است. بنابر این رأی و نظر، مکلف در ادای مناسک چون استطاعت طریقی ندارد، شرط ادای عمل را ندارد و چون وجوب حج برداشته نشده، حج بر او مستقر است و باید در سال‌های آینده در صورت حصول استطاعت طریقی، اعمال حج را به جای آورد.

حکومت و حاکم اسلامی، بنابر نظر فقه شیعه، در قبال تعطیلی و خالی ماندن کعبه از حاجیان و زائران، به هر دلیلی، هرچند که آن دلیل ناامنی مسیر و راه ادای مناسک حج باشد، وظیفه دارد مسلمانان را به آنجا بفرستد؛ هرچند که در عمل کردن به این وظیفه از بیت‌المال مسلمانان خرج کند؛ البته از آنجا که امروزه مسلمانان از اقصی نقاط جهان اعم از شیعه و سنی، با شور و ازدحام برای زیارت خانه خدا در قالب حج و عمره عازم می‌شوند، کعبه خالی از حاجی و زائر نمی‌ماند و این وظیفه حاکم اسلامی عملاً مورد ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابوطالب یزدی در حال طواف بر اثر گرمی هوا و پربودن شکم، دچار حالت تهوع شد و برای اینکه زمین مسجد آلوده نشود، گوشه جامه احرام خود را مقابل دهان گرفت و در آن استفرغ کرد و اطراف آن را گرفت تا در مسجد نریزد؛ اما قدری از آن مواد از گوشه جامه‌اش بر سنگ‌های مسجدالحرام ریخت. شرطی‌های سعودی به گمان آنکه او قصد نجس کردن مسجد را دارد، وی را دستگیر کردند و همراه چند مصری به عنوان گواه، به شرطی‌خانه بردند و از آنجا نزد قاضی فرستادند. مصری‌ها به ناحق گواهی دادند و قاضی به قتل آن حاجی بی‌گناه حکم کرد. وی را روز چهاردهم ذی‌حجه پیش چشم مردم در برابر مروه در خیابان با ضرب شمشیر، به جرم

واکاوی شرط استطاعت طریقی با رویکرد تعطیلی حج در صورت عدم تأمین امنیت حجاج / ۲۳

آوده کردن خانه خدا کشتند. بر پایه اتفاق نظر مذاهب چهارگانه فقهی اهل تسنن و نیز تشیع، حکم نجس کردن عمدی بیت الله، همانند حکم ارتداد، اعدام است (ر.ک: حجازی، ۱۳۸۷/۲۸۵؛ قاضی عسکر، ۱۳۸۸/۱۳-۱۴).

۲. متن روایت از باب نمونه چنین است: «كان على صلوات الله عليه يقول لولده: أنظروا بيت ربكم فلا يخلون منكم فلا تناظروا: امام علی (درود خدا بر او) به فرزندانشان می فرمودند: خانه خدا را بنگرید، پس از شما خالی نماند که اگر چنین شود، مهلت داده نمی شوید» (بیشتر بنگرید: صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۱۹۰، ح ۵۴۳۳؛ همو، ۱۳۸۵: ۲/۴۵۲؛ نهج البلاغه، ن ۴۷).

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.

ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۹۹ق)، *النهایه فی غریب الحدیث و الآثار*، بیروت: دار العلم.

ابن جوزی (۱۴۱۲ق)، *المنتظم*، به کوشش: محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن جوزی، سبط (۱۳۶۹ق)، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*، به کوشش: الهموندی، بغداد: الدار الوطنیه.

ابن عمرانی (۱۴۱۹ق)، *الانباء فی تاریخ الخلفاء*، به کوشش: السامرائی، قاهره: الآفاق العربیه.

ابن تغری بردی، یوسف (۱۳۹۲ق)، *النجوم الزاهره*، به کوشش: شلتوت و دیگران، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.

ابن تیمیه، تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم حرانی (۱۴۱۸ق)، *شرح العمده*، ریاض: دارالعاصمه.

ابن عبدالبر نمری قرطبی، ابی عمر یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۰۷ق)، *الکافی فی فقه اهل المدینه*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن عبدالبر، ابی عمر یوسف بن عبدالبر قرطبی (۱۳۸۷ق)، *التمهید لما فی المطأ من المعانی والاسانید*، مغرب: وزاره عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامیه.

ابن فهد، عمر بن محمد (۱۴۰۸)، *اتحاف الوری*، به کوشش: عبدالکریم، مکه: جامعه ام‌القری.

ابن قدامه، شمس‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن ابی عمر محمد بن احمد قدامه (۱۴۰۴ق الف)، شرح الکبیر علی متن المقنع (بهامش المغنی)، بیروت.

ابن قدامه، عبدالله بن احمد بن قدامه (۱۴۰۴ق ب)، المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل شیبانی، بیروت: دارالفکر، چ ۱.

ابن کثیر (۱۴۰۸ق)، البدایة و النهایة، به کوشش علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن مفلح حنبلی مقدسی، شمس‌الدین ابی عبدالله محمد (۱۴۲۴ق)، الفروع، تحقیق: د. عبدالله ترکی، [بی جا]: مؤسسه الرساله.

اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷ش)، تاریخ منتظم ناصری، به کوشش: رضوانی، تهران: دنیای کتاب. الألبانی، محمد ناصرالدین (م ۱۴۰۵ق)، الارواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل، [بی جا]: المکتبه الاسلامی.

آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (بی تا)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان.

الوسی، سید محمود (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.

املی، میرزا محمد تقی (۱۳۸۰)، مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی، تهران: مؤلف.

بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

بزاز، محمد امین و محمد رضا آژیر (۱۳۸۲ش)، «حج گزاری در کشور مغرب»، مجله میقات حج، ش ۴۴.

بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۱۸ق)، کشف القناع، بیروت: دارالکتب العلمیه.

بیهقی، ابی بکر احمد بن الحسین بن علی (بی تا)، سنن البیهقی (السنن الکبری)، [بی جا]: دارالفکر.

ترمذی، محمد بن عیسی سوره (بی تا)، سنن الترمذی، بیروت: دارالفکر.

جعفریان، رسول (۱۳۸۸-۱۳۸۷ش)، مقالات تاریخی، قم: دلیل ما.

حائری یزدی، شیخ عبدالکریم (۱۴۱۸ق)، درر الفوائد، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۶.

حجازی، علیرضا (۱۳۸۷ش)، آهنگ حجاز، قم: فارس الحجاز.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹م)، تفصیل وسائل الشیعه مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

واکاوی شرط استطاعت طریقی با رویکرد تعطیلی حج در صورت عدم تأمین امنیت حجاج / ۲۵

حصنی، محمد بن علی بن محمد المعروف بعلاء الدین الحصکفی (۱۴۲۳ق)، الدر المختار شرح تنویر الأبصار و جامع البحار، [بی‌جا]: دارالکتب العلمیه.

خطاب، محمد بن محمد بن مغربی (۱۴۱۶ق)، مواهب الجلیل شرح مختصر الخلیل، بیروت: دارالکتب العلمیه.

حلی، ابن ادریس محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم: مؤسسه امام صادق(ع).

حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۷)، المعتمد فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سیدالشهداء.

حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، مشهد: مؤسسه آل‌البیته.

حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

خرشی، محمد بن عبدالله (بی‌تا)، شرح مختصر خلیل الخرشنی، بیروت: دارالفکر للطباعة.

خویی، سیدابوالقاسم موسوی (۱۴۱۶ق)، معتمد العروه الوثقی، قم: منشورات مدرسه دارالعلم لطفی، ج ۲.

خویی، سیدابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق)، موسوعه الامام الخویی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی(ره).

داماد افندی، عبدالله بن شیخ محمد بن سلیمان (بی‌تا)، مجمع الانهر فی شرح ملتقى الابحر، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

درگاهی و دیگران (۱۳۹۳ش)، «تعلیق و تعطیل حج از سوی حاکم اسلامی»، مجله حکومت اسلامی، س ۱۹، ش ۷۳.

درگاهی، مهدی و رضا عندلیبی (۱۳۹۴ش)، کتاب حج و ولایت فقیه، تهران: نشر مشعر.

درگاهی مهدی و رضا عندلیبی (۱۳۹۳ش)، حکم حکومتی در حج، تهران: نشر مشعر.

دسوقی المالکی، محمد بن احمد بن عرفه (بی‌تا)، حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، [بی‌جا]: دارالفکر.

دهدایی، یحیی بن عثمان بن محمد (۲۰۰۲م)، اعانه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین، [بی‌جا]: دارالکتب العلمیه.

ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر*، به کوشش: عمر عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العربی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان: الدار الشامیه.

رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد بن عبدالکریم ابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، *العزیز شرح الوجیز المعروف بالشرح الكبير*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

رشدانی مرغینانی، ابوالحسن علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل (بی تا)، *الهدایه شرح بادیه المبتدی*، [بی جا]: مکتبه الاسلامیه.

زیعلی، حافظ جمال‌الدین ابی محمد عبدالله بن یوسف الحنفی (۱۳۵۷ق)، *نصب الرایه لاحادیث الهدایه*، مصر: دارالحدیث.

سباعی، احمد (۱۴۰۴ق)، *تاریخ مکه، مکه الثقافی*: نادى.

سرخسی، شمس‌الدین (۱۴۰۹ق)، *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفه.

سمرقندی، علاء (۱۴۱۴ق)، *تحفه الفقهاء*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲.

سیواسی، کمال‌الدین محمد بن عبدالواحد، معروف به ابن همام (بی تا)، *فتح القادیر*، [بی جا]: دارالفکر.

شربینی شافعی خطیب، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق)، *معنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج*، [بی جا]: دارالکتب العلمیه.

شیخی زاده، عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان (بی تا)، *مجمع الانهر فی شرح ملتقى الابرار*، [بی جا]: داراحیاء التراث العربی.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵ش) *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

طباطبایی قمی، سیدحسن (۱۴۱۵ق)، *کتاب الحج*، قم: مطبعه باقری.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن للطبری (تفسیر طبری)*، بیروت: دارالمعرفه.

طبری، ابوجعفر، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)*، بیروت: دارالتراث.

طحاوی حنفی، احمد بن محمد بن اسماعیل (۱۳۱۸ق)، حاشیه علی مراقی الفلاح شرح نور الإيضاح، مصر: المطبعة الكبرى الأميریه ببولاق.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المكتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.

طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

طیب، محمد بن عمر (۱۴۱۹ق)، تاریخ الشعر و اخبار القرن العاشر، به کوشش: الحبشی، مصر: نشر الارشاد.

علیش، محمد بن احمد بن محمد (۱۴۰۹ق)، منع الجلیل شرح مختصر خلیل، بیروت: دارالفکر.

عمرانی شافعی، ابی الحسن یحیی بن ابی الخیر (بی تا)، البیان فی مذهب الامام الشافعی، [بی جا]: دارالمنهاج.

الفأسی، محمد (۱۴۲۱ق)، شفاء الغرام، به کوشش: گروهی از علما، بیروت: دار الکتب العلمیة.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.

قاضی عسکر، سیدعلی (۱۳۸۸ش)، ابوطالب یزیدی شهید مروه، تهران: مشعر.

قاضی عسگر، سیدعلی (۱۳۷۹ش)، «مظلومیت پیروان علی بن ابیطالب (ع) در کنار خانه خدا»، مجله میقات حج، ش ۳۴.

القرافی، شهاب‌الدین احمد بن ادريس (۱۹۹۴م)، الذخیره، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

قمی روحانی، سیدمحمد حسینی (۱۴۱۹ق)، المرتقی الی الفقه الأرقی (کتاب الحج)، تهران: مؤسسه الجلیل للتحقیقات الثقافیة (دارالجلی).

القمی، میرزا ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، جامع الشتات، به کوشش: رضوی، تهران: مؤسسه کیهان.

کاسانی، ابی بکر (۱۴۰۹ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، [بی جا]: المكتبة الحبییه.

کاظمی، فاضل جواد بن سعد اسدی (بی تا)، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، [بی جا]: [بی نا].

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب

الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

محقق، علی (۱۳۷۹ش)، اسناد و روابط ایران و عربستان سعودی ۱۳۵۷-۱۳۰۴ش، تهران: وزارت امور خارجه.

مرداوی حنبلی، علاءالدین ابی‌الحسین علی بن سلیمان (۱۴۰۶ق)، الانصاف فی معرفه الراحیح من الخلاف علی مذهب الامام المجلد احمد بن حنبل، [بی‌جا]: داراحیاء التراث العربی.

مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، به کوشش: اسعد داغر، قم: دارالهجرة.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازهان، قم: جماعه المدرسین بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.

مؤمن، محمد (۱۴۲۵ق)، الولاية الالهية الاسلامية أو الحكومة الإسلامية، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق): واهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی احکام الشریع، قم: مؤسسه ال البيت.

نووی، محیی‌الدین یحیی بن شرف (۱۹۹۶م)، المجموع شرح المهذب، [بی‌جا]: دارالفکر.

هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۳ش)، خاطرات سفر مکه، تهران: مؤلف.

هیتمی، سعدی نصاری، احمد بن محمد بن علی بن حجر (۱۴۲۰ق)، المنهاج التویم، [بی‌جا]: دارالکتب العلمیه.